

Urban Identity and Citizen Participation in Greater Tehran (A Strategic Plan)

SeyedSaeed Zahed Zahedani¹

Abstract

The global prevalence of various forms of democratic governance has elevated citizen participation in urban management to a primary concern for city administrators. This article argues that the model of urban governance is the most critical factor in shaping public engagement, as its logic, pattern, and methods are intrinsically rooted in the dominant culture of a city—a culture that fundamentally constitutes citizens' urban identity. In a metropolis like Tehran, characterized by significant cultural diversity, multiple and often fragmented identities emerge, leading to varied patterns of command and obedience. Consequently, establishing a cohesive governance framework that fosters inclusive public participation while encompassing the city's diverse cultural and identity segments becomes a strategic imperative. To address this challenge, this study first examines the culture and cultural diversities that shape urban identities in Tehran. It then analyzes governance styles within these pluralistic contexts and, ultimately, proposes methods for effectively engaging citizens in urban administration. The research methodology involves conceptual analysis and a descriptive-analytical approach, concluding that a synergistic model balancing centralized coordination with decentralized, culturally-sensitive participatory mechanisms is essential for harnessing maximal public contribution in managing Greater Tehran.

Keywords: Centralization, Decentralization, Formal Organizations, Informal Organizations, Municipality, Mosque.

1. Associate Professor of Sociology and Head of the Research Institute for Transformation in the Humanities, University of Shiraz, (Corresponding Author) zahedani@shirazu.ac.ir

هویت شهری و مشارکت شهروندی در تهران بزرگ (یک طرح راهبردی)*

سید سعید زاهد زاهدانی^۱

چکیده

با رواج انواع حکمرانی‌های مبتنی بر جمهور مردم در جهان، شرکت شهروندان در اداره امور شهرها به یکی از دغدغه‌های حکمرانان شهری تبدیل شده است. نوع الگوی حکمرانی شهری مؤثرترین عامل در شیوه جلب مشارکت مردمی است. منطق، الگو و شیوه حکمرانی شهری در فرهنگ حاکم بر آن شهر رقم می‌خورد و فرهنگ شهری در واقع همان هویت شهروندان یک شهر است. در شهرهای بزرگی مانند تهران (که عنوان کلان‌شهر به خود گرفته‌اند)، وجود تنوع فرهنگ‌های مختلف، هویت‌های مختلف به وجود می‌آورد و از این‌رو الگوهای فرماندهی و فرمان‌گیری نیز تنوع می‌یابد. در عین حال لازم است یک هویت و یک شیوه حکمرانی واحد بر مجموعه شیوه جلب مشارکت‌های مردمی حکام باشد که همه بخش‌های فرهنگی و هویتی شهر را دربرگیرد. برای حل این مسئله در شهر بزرگی مانند تهران لازم است ابتدا به فرهنگ و تنوعات فرهنگی شهری که هویت‌ها را شکل می‌دهند، پردازیم و سپس از شیوه حکمرانی مردمی بحث کنیم که بتواند از مشارکت مردم بیشترین استفاده را در اداره امور شهری ببرد. در این مقاله پس از تعریف فرهنگ و تبیین رابطه آن با هویت، به تنوعات فرهنگی شهر تهران می‌پردازیم و سبک حکمرانی را در قالب این فرهنگ‌های متنوع تشریح می‌کنیم و در نهایت، به شیوه جلب مشارکت شهروندان در اداره امور می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: تمرکزگرایی، غیرتمرکزگرایی، سازمان‌های رسمی، سازمان‌های غیررسمی، شهرداری،

مسجد.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۱۴، تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۷/۸.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jtc.2025.70455.1038

۱. دانشیار جامعه‌شناسی و رئیس پژوهشکده تحول در علوم انسانی دانشگاه شیراز، (نویسنده مسئول)
zahedani@shirazu.ac.ir

مقدمه

قرن نوزدهم و بیستم میلادی مصادف است با فروپاشی حکومت‌های مبتنی بر دیکتاتوری فردی یا پادشاهی و تأسیس جمهوری‌هایی که هر یک به نسبتی به جلب مشارکت مردم در اداره امور می‌پردازند. در اواخر قرن هجدهم یعنی در سال ۱۷۸۹ انقلاب کبیر فرانسه، شیوه جمهوریت در اداره امور کشورها را ارائه داد، اما با این حال فرهنگ حکمرانی پادشاهی تا سال‌ها پس از آن نیز در آن کشور باقی ماند و حتی کسانی که به‌عنوان رئیس جمهور انتخاب شدند، مانند ناپلئون، تقریباً به همان سبک و شیوه پادشاهی و امپراطوری امور کشور را اداره کردند. در قاره جدید آمریکا، مهاجرانی که از اروپا به آنجا رفته بودند، ایده جمهوریت را نیز با خود همراه بردند و با توجه به این که مانعی مانند پادشاهی (در فرانسه) را مقابل خویش نداشتند، توانستند از همان سال ۱۷۸۹ که قانون اساسی را تصویب کردند، نخستین رئیس جمهور را برگزینند و به شیوه‌ای که به لیبرال دموکراسی شهرت دارد به اداره امور کشور بپردازند.

پس از انقلاب اسلامی و با رأی مردم جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد؛ یعنی نوعی از جمهوری که صفت اسلامی به خود گرفته باشد. همچنان که در آمریکا، جمهوری، صفت لیبرال به خود گرفته است، در ایران نیز صفت جمهوری، اسلامی است. تفاوت این دو صفت به فرهنگ و هویت ملی مردم این دو کشور بازمی‌گردد. در ایالات متحده آمریکا فرهنگ لیبرال سرمایه‌داری حاکم است؛ از این رو مقتضی حاکمیت نوعی جمهوری لیبرال است. در ایران، فرهنگ اسلامی نوعی دیگر از رفتار و سبک زندگی وجود دارد که ناشی از صبغه یا صفت اسلامی آن است. تعلق صفت لیبرال در آمریکا و صفت اسلامی در ایران، ضامن اجرای جمهوریت می‌باشد. این مسئله تابع فرهنگ و هویت ملی کشورهاست، چنان که در فرانسه با وجود تحقق انقلاب جمهوریت و مصوب شدن حکومت جمهوری، جاری بودن فرهنگ سلطنتی و تبعیت از پادشاه میان مردم، سال‌ها طول کشید تا جمهوری لیبرال، آن هم از نوع فرانسوی نه آمریکایی، استقرار یابد. از این رو لازم است وقتی در مورد مشارکت مردم در امور حکمرانی جامعه سخن می‌گوییم، به فرهنگ و هویت ملی مردم نیز توجه داشته باشیم، در غیر این صورت نمی‌توانیم به‌شکلی مناسب مشارکت آنان را در اداره امور جلب نماییم (زاهد، ۱۳۸۵).



هدف این مقاله، مطالعه و بیان چگونگی مشارکت مردم در اداره امور کلان شهر تهران با توجه به هویت ملی آنان است.

بیان مسئله

دیوید هلد^۱ در بررسی تاریخ دموکراسی در غرب از نه نوع مردمسالاری نام می برد که سه نوع آن را به دو دسته تقسیم می کند. وی اذعان می کند دموکراسی می تواند در دیگر نقاط جهان نیز انواع دیگری داشته باشد (Held, ۱۹۹۶, p. ۴-۶). وی به طور کلی انواع مردمسالاری را از لحاظ شیوه مشارکت دادن مردم در امور به دو دسته کلان تقسیم می کند: الف) مردمسالاری که در آن مردم، خود، به طور مستقیم در امور اجرایی مداخله می کنند و تصمیم می گیرند؛ ب) مردمسالاری که توسط نمایندگان مردم اعمال می شود (Held, ۱۹۹۶, p. ۶). هلد دوازده نوع مردمسالاری را به شرح زیر نام می برد: ۱. مردمسالاری کلاسیک^۲؛ ۲. جمهوری^۳ که خود به دو نوع جمهوری محافظه کارانه^۴ و جمهوری توسعه یابنده^۵ تقسیم می گردد. ۳. مردمسالاری لیبرال (نماینده ای)^۶ که به دو نوع مردمسالاری محافظه کارانه^۷ و مردمسالاری توسعه یابنده^۸ تقسیم می شود. ۴. مردمسالاری مستقیم^۹ نوعی دیگر از مردمسالاری است. دیگر انواع مردمسالاری به عقیده هلد عبارتند از: ۵. مردمسالاری نخبه گرای رقابتی^{۱۰}؛ ۶. تکثرگرایی^{۱۱}؛ ۷. مردمسالاری قانونی^{۱۲}؛ ۸. مردمسالاری مشارکتی^{۱۳} و ۹. آنچه مردمسالاری امروزی باید باشد که دو نوع

1. David Held
2. Classical Democracy
3. Republicanism
4. Protective Republicanism
5. Developmental Republicanism
6. Liberal Democracy
7. Protective Democracy
8. Developmental Democracy
9. Direct Democracy
10. Competitive Elitist Democracy
11. Pluralism
12. Legal Democracy
13. Participatory Democracy



پیشنهادی هلد عبارتند از خودمختاری مردم سالارانه^۱ و مردم سالاری جهانی^۲ (زاهد، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱).

در مجموع پنج خصیصه عمده در مردم سالاری های معرفی شده توسط هلد قابل مشاهده است: ۱. مشارکت مردم در اداره امور عمومی؛ ۲. آزادی در عقیده و بیان؛ ۳. تساوی حقوقی در مقابل قانون؛ ۴. نظارت مردمی بر اداره امور؛ ۵. حق تشکیل اجتماعات مردمی برای مداخله در امور عمومی (زاهد، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱-۱۵۰).

در ایران به یمن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نظام شاهنشاهی برچیده شد و نظام جمهوری اسلامی تأسیس گردید. در سال ۱۳۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی به همه پرسی گذاشته شد و با درصد رأی بالای مردم ایران به تصویب رسید. بر اساس این قانون اساسی، با توجه به فرهنگ و هویت ملی ایرانیان، در ایران، جمهوری تأسیس شد. از آغاز تأسیس سلسله صفوی در ابتدای قرن شانزدهم میلادی، اسلام شیعی دین رسمی ایران اعلام شد. بر اساس این اعتقاد، حاکمیت مشروع تنها در اختیار امام زمان علیه السلام است و در زمان غیبت امام، در اختیار نایب ایشان قرار می گیرد. بر این اساس، طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، در رأس نظام، جانشین امام زمان علیه السلام تحت عنوان ولی فقیه قرار می گیرد که با انتخاب دو درجه ای مردم و از طریق مجلس خبرگان انتخاب می شود. کشور ایران مانند دیگر جمهوری های جهان به شیوه تفکیک قوا اداره می شود. نظام حکومتی دارای سه قوه اصلی است: مجلس شورای اسلامی که اعضای آن با انتخاب مستقیم مردم منصوب می گردد، قوه قضائیه و قوه مجریه که رییس آن با انتخاب مستقیم مردم انتخاب می شود و وزرا نیز با پیشنهاد و معرفی رئیس جمهور و رأی نمایندگان مجلس شورای اسلامی منصوب می شوند. اسلامیت این انتخاب ها با سازوکار مشخصی که در قانون آمده است و با نظارت و مصوبات شورای نگهبان و تنقیذ حکم ریاست جمهور توسط ولی فقیه، تضمین می شود. براساس همین قانون اساسی، در سطح استان ها، شهرها و روستاها، شورای اسلامی استان، شورای اسلامی شهر و شورای اسلامی روستا با انتخاب مستقیم مردم تشکیل

1. Democratic Autonomy
2. Cosmopolitan Democracy

می‌شود. شهردار هر شهر منتخب شورای اسلامی شهر است و با مشارکت مردم و نظارت آنان بر امور، شهر را زیر نظر شورای اسلامی شهر اداره می‌کند (زاهد، ۱۳۸۱).

با این توضیحات مشخص می‌شود هر پنج وجه مشترکی که در مردم‌سالاری‌های موجود در جهان وجود دارد، در جمهوری اسلامی ایران، با قید اسلامیت - که دین رسمی کشور از حدود ششصد سال پیش است - نیز موجود است.

با توجه به این که موضوع مورد مطالعه ما شهر و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری است، لازم است چگونگی این مشارکت را با توجه به ۵ اصل مردم‌سالاری در سطح شهر و زیر نظر شهرداری پیگیری کنیم. شیوه اجرای این پنج اصل به فرهنگ و هویت شهروندان وابسته است. از این‌رو در ادامه به فرهنگ و هویت و وضعیت آن در شهر تهران می‌پردازیم.

۱. فرهنگ و هویت

فرهنگ، ادراکات مورد توافق جمع در یک جامعه است. این ادراکات در افراد توسط سه وسیله شناختی حس، عقل و قلب به دست می‌آید و محسوسات، معقولات و باورهای آنان را رقم می‌زند. دریافت‌هایی که به توافق جمع رسیده‌اند، سه لایه فرهنگ را تشکیل می‌دهند: لایه به توافق رسیده باورها، اخلاق و ارزش‌های اجتماعی، لایه معقولات به توافق جمع رسیده عقلی، علم و معرفت و لایه محسوسات به توافق جمع رسیده. لایه اخلاق و ارزش‌ها را فرهنگ بنیادی، لایه علم و معرفت را فرهنگ تخصصی و لایه رفتارها را فرهنگ عمومی می‌نامیم. هر یک از این لایه‌های فرهنگی، خود، ابعاد قلبی، عقلی و حسی دارند که از آنان به ترتیب به گرایش، بینش و دانش تعبیر می‌کنیم. از این‌رو برای آگاهی از وضعیت هر فرهنگ می‌توانیم سه بُعد از سه لایه آن را مطالعه کنیم.^۱

هویت فردی و یا هویت اجتماعی به وجه تمایزهای فرد یا جامعه از دیگر افراد و یا جوامع

۱. علاقه‌مندان برای آگاهی از تفصیل این بند می‌توانند به منبع زیر مراجعه نمایند:

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فرهنگی، الگوی پایه پیشرفت، مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات مرکز اسلامی ایران پیشرفت، ۱۳۹۵، صص ۳۵۵۰-۳۵۳۵.



اطلاق می‌شود. معمولاً این وجه تمایزها با توجه به محاسن فرد و یا جامعه در نظر گرفته می‌شود. از این‌رو بسیاری از محققین هویت، به علت این که ارزش‌ها یکی از عوامل اصلی و مهم هر فرهنگ را تشکیل می‌دهند و هر فرهنگ، معرف جامعه‌ای است که آن را حمل می‌کند، در بُعد اجتماعی-فرهنگ جامعه را با هویت آن جامعه معادل در نظر می‌گیرند.

در این مقاله اقلام فرهنگ و هویت ملی را یکی در نظر می‌گیریم.

مردم کشور ما پس از ورود اسلام به ایران ارزش‌ها، دانش‌ها و رفتارهای اسلامی را پذیرفتند و به یک کشور مسلمان تبدیل شدند. در قرن دهم هجری قمری یا ابتدای قرن شانزدهم میلادی دین رسمی کشور شیعه اثناعشری اعلام شد و تاکنون نیز ادامه یافته است. از زمان ورود تمدن مدرن به ایران، مردم کوشیدند اصلاحاتی در فرهنگ و سبک زندگی خود به وجود آورند و از دستاوردهای این تمدن بهره‌گیرند. از این‌رو به‌طور رسمی پس از انقلاب مشروطه، اقلامی از تمدن مدرن وارد کشور ما شد و هر سه لایه فرهنگ بنیادی، فرهنگ تخصصی و فرهنگ عمومی را تحت تأثیر خود قرار داد که این تأثیر در انتهای دوران پهلوی بسیاری از بنیان‌های اسلامی جامعه را دگرگون کرد. انقلاب اسلامی به‌منظور احیای هویت دینی جامعه صورت گرفت. بنابراین می‌توان گفت فرهنگ امروز جامعه ما از دو فرهنگ اسلامی و فرهنگ تمدن مدرن متأثر است. یکی از ویژگی‌های مهم در فرهنگ اسلامی، اعتقاد به دو نوع واقعیت مشهود و غیب است که در فرهنگ غرب به علت کنار گذاشتن واقعیت غیب تنها واقعیت مشهود در نظر گرفته می‌شود. از این‌رو فرهنگ تمدن مدرن را فرهنگ سکولار یا دنیاگرا می‌نامند؛ در مقابل فرهنگ اسلامی دنیا-آخرت گراست.

فرهنگ اسلامی لایه‌ها و ابعاد مخصوص خود را دارد و فرهنگ تمدن مدرن نیز از لایه‌ها و ابعاد خاص خود بهره‌مند است. در ایران امروز شاهد ترکیبی از این دو نوع فرهنگ در جامعه هستیم. از این‌رو برای بهتر تشخیص دادن فرهنگ و یا هویت ملی خود لازم است لایه‌ها و ابعاد این دو نوع فرهنگ را به نسبتی که در جامعه حضور دارند، مطالعه کنیم. در جدول زیر تفکیک اقلام این دو نوع فرهنگ به‌طور خلاصه آمده است. برای پی بردن به وضعیت فرهنگی خود لازم است نسبت این دو فرهنگ را در جامعه بررسی کنیم.

جدول شماره ۱ ابعاد و لایه‌های فرهنگ اسلامی و سکولار

ابعاد لایه‌های فرهنگ	گرایش	بینش	دانش
بنیادی	اسلامی	هستی‌شناسی بر پایه واقعیت غیب و مشهود	تقرب‌جویی عبودیت انجام وظیفه الهی
	سکولار	هستی‌شناسی بر پایه واقعیت مشهود (سکولاریزم)	لذت‌جویی سودجویی عمل‌گرایی
تخصصی	اسلامی	شناخت بر پایه وحی، عقل و تجربه	دانش‌های نظری اسلامی دانش‌های عملی اسلامی
	سکولار	شناخت بر پایه تجربه و عقل ابزاری	دانش‌های نظری سکولار دانش‌های عملی سکولار
عمومی	اسلامی	گرایش به احکام (ارزشی، توصیفی، تکلیفی) الهی	سبک زندگی اسلامی (تمدن نوین اسلامی)
	سکولار	ارزش‌های اجتماعی بر اساس اکثریت	سبک زندگی سکولار (تمدن مدرن)

مأخذ: زاهد، ۱۳۹۵.

نُه خانه هر جدول دارای خاصیت عملی مربوط به خویش هستند. جدول زیر خاصیت هر خانه جدول را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲- خصلت عملی هر یک از عناصر جدول فرهنگ

ابعاد لایه‌های فرهنگ	گرایش	بینش	دانش
بنیادی	ظرفیت	محور ساختار	هماهنگ‌کننده
تخصصی	جهت	ظرفیت تصرفی	وسیله
عمومی	عاملیت	ساختار تبعی	زمینه

مأخذ: زاهد، ۱۳۹۵، (با الهام از پیروزمند، ۱۳۸۲، جدول شماره ۳، ص ۲۸)

با توجه به خصلت عملی هر یک از عوامل موجود در جدول ۲ می‌توان در مورد آنها گفت که در فرهنگ اسلامی، خداگرایی با توجه به سه خصلت خالقیت، ربوبیت تکوینی و ربوبیت تشریعی تشکیل دهنده فرهنگ است و در فرهنگ سکولار، انسان‌گرایی، ظرفیت فرهنگ را شکل می‌دهد. بنابراین در این دو فرهنگ، هر تولیدی باید این خط قرمزها را رعایت کند و از آن فراتر نرود؛ در غیر این صورت عنصر آن فرهنگ به‌شمار نمی‌آید. جهت این دو فرهنگ متفاوت است؛ در یکی معرفت‌شناسی مبتنی بر ملاک صحت وحی و عقل و تجربه دخیل است و در دیگری به تجربه و عقل ابزاری بسنده می‌شود. عاملیت اجرایی در فرهنگ اسلامی بر احکام الهی استوار است و در فرهنگ سکولار، توافق اکثریت درباره ارزش‌ها، عامل اصلی فرهنگی است. به بیان دیگر، احکام الهی در فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اکثری در جوامع سکولار، عامل تحقق این فرهنگ‌ها و تجلی آن در رفتارهای افراد آن جوامع می‌باشند (زاهد، ۱۳۹۵).

محور ساختار فرهنگ اسلامی بر اعتقاد به واقعیت غیب و مشهود استوار است و در فرهنگ سکولار تنها به واقعیت مشهود توجه می‌شود. دانش‌های نظری مبتنی بر پایگاه‌های پیش گفته در هر فرهنگ، ظرفیت تصرفی آن فرهنگ را معین می‌کند؛ یعنی قدرت تصرف این فرهنگ‌ها، به دانش‌های نظری آنها وابسته است. معروف و منکرهای دینی، و هنجارهای اجتماعی نشأت گرفته از خواست اکثریت، ساختار تبعی نظام فرهنگی این دو فرهنگ به ترتیب اسلامی و سکولار را نشان می‌دهد (زاهد، ۱۳۹۵).

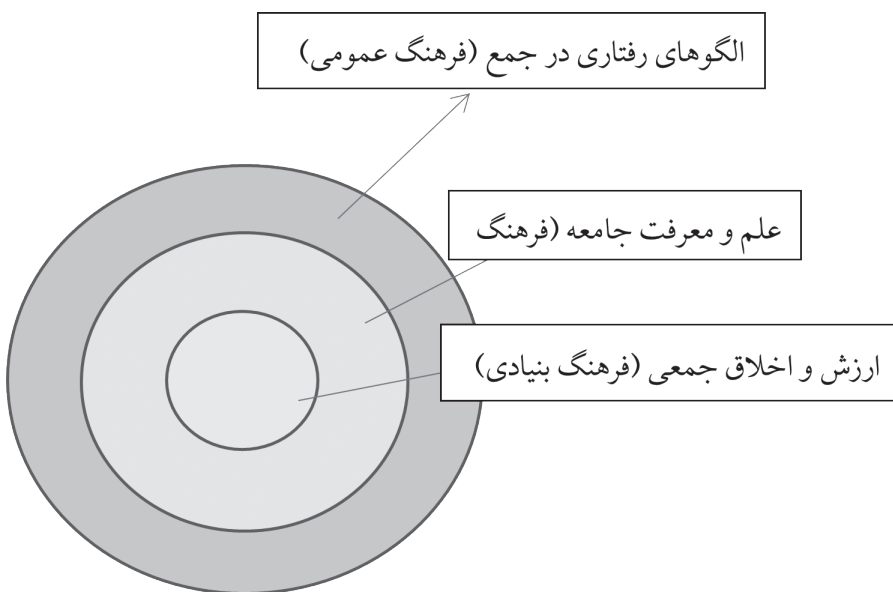
تقرب‌جویی، عبودیت و انجام وظیفه الهی در فرهنگ اسلامی و لذت‌جویی، اصالت‌فایده و عمل‌گرایی در فرهنگ غربی، فعالیت‌های مردم متعهد به هر یک از این دو فرهنگ را هماهنگ

می‌سازد؛ یعنی انجام هر عملی حول این خصلت‌ها هماهنگ می‌شود. دانش‌های عملی به تبع دانش‌های نظری حاصل می‌گردد؛ از این رو به آنها وسیله می‌گوییم و سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی مبتنی بر تمدن مدرن، زمینه فعالیت‌های این دو فرهنگ را فراهم می‌کند (زاهد، ۱۳۹۵).

همان‌طور که گفتیم فرهنگ جامعه ما به طور کلی مخلوطی از این دو نوع فرهنگ است. هر یک از جوامع خردی که زیر مجموعه جامعه کلان ما قرار می‌گیرند، به نسبت، اندازه‌ای از این دو نوع فرهنگ را در خود دارند. در شهری مانند تهران که از همه ایران مهاجر می‌پذیرد، این اختلاط فرهنگی تنوع بیشتری دارد. از آنجاکه عناصر این جدول متقوم هستند و نمی‌توان آنان را به اجزای فرهنگ تعبیر نمود، می‌توان گفت یک فرهنگ عام در کل شهر شکل گرفته است، اما در محلات مختلف شاهد انواع ترکیب‌ها از این دو نوع فرهنگ هستیم.

نمودار زیر نسبت این سه لایه فرهنگ در رابطه با یکدیگر را نشان می‌دهد. به بیان دیگر می‌توان گفت فرهنگ بنیادی، زیربنای فرهنگ تخصصی است و هر دوی این‌ها، زیربنای فرهنگ عمومی جامعه هستند. آنچه ما در نگاه اول می‌بینیم، فرهنگ عمومی است. برای پی بردن به لایه‌های زیرین باید به فرهنگ تخصصی و سپس فرهنگ بنیادی مراجعه کرد.

نمودار شماره ۱- رابطه بین لایه‌های فرهنگ





از سوی دیگر ستون سوم از لایه‌های فرهنگ، «دانش» آن لایه را نشان می‌دهد؛ به این معنی که این ستون به‌نوبه خود روینای هر لایه است. خصلت‌مندی هر خانه جدول نیز با مشاهده رویناهای کل فرهنگ در فرهنگ عمومی و دانش هر لایه، درک اولیه و بهتری از فرهنگ هر خرده گروه شهری می‌توان به دست آورد.

نوع حکمرانی در هر یک از فرهنگ‌ها تحت تأثیر هر سه لایه یادشده می‌باشد. «دانش»‌های سه‌لایه در موضوع حکمرانی با توجه به زیربنا و روبنا بودن‌شان در شیوه حکمرانی مؤثر هستند؛ یعنی سبک زندگی در هر فرهنگ، از دانش‌های عملی آن متأثر است و این دانش‌ها با توجه به رویکرد و یا جهت دانشی که در فرهنگ بینادی رقم می‌خورد، شکل می‌گیرد. در فرهنگ ایرانی راهکارهای عملی که تأمین‌کننده جهت‌گیری‌های تقرب‌جویی، عبودیت و انجام وظیفه الهی است، سبک زندگی و سبک مشارکت مردم را مشخص می‌کند. در فرهنگ سکولار، این نوع رفتار (مشارکت) از دانش‌های عملی طراحی شده در فرهنگ تخصصی الگو می‌گیرند و با انگیزه منفعت‌طلبی و عمل‌گرایی انجام می‌شوند.

از سوی دیگر باید در نظر داشته باشیم هر یک از اقلام جدول فرهنگ، تاریخچه مخصوص خود را دارد. بنابراین برای اشراف بهتر به هر فرهنگ و خرده‌فرهنگ لازم است اقلام آمده در خانه‌های مختلف فرهنگ را به‌صورت تاریخی مطالعه کنیم و همه آنان را در نهایت، مقوم به یکدیگر ببینیم؛ به بیان دیگر، مطالعه تاریخی هر یک از اقلام نمی‌تواند بدون توجه به دیگر اقلام باشد. بنابراین برای به دست آوردن نحوه و چگونگی جلب مشارکت مردم در امور شهری باید با توجه به فرهنگ حکمرانی در خرده‌فرهنگ‌های حکمرانی پراکنده در آن شهر و در نهایت احصای نوع فرهنگ حکمرانی شهر و شیوه جلب مشارکت مردم در آن حکمرانی، اقدام نمود.

۲. واحدهای مطالعه حکمرانی در شهر

از زاویه حکمرانی، کوچکترین واحد اجتماعی شهر، خانواده است. پس از آن، محلات قرار دارند. سازمان‌های رسمی و غیررسمی عملکردی بالاتر دارند و در صورت استقلال محلات (که در گذشته چنین بود) عملکردی در قالب محلات بروز می‌دهند. در نهایت، جامعه شهر در

کل قرار می‌گیرد. برای مطالعه نحوه حکمرانی واحدهای مختلف لازم است به فرهنگ هر یک از واحدهای یادشده به‌عنوان مرزهای جامعه آماری مطالعه خودپردازیم. نحوه حکمرانی و در نتیجه میزان مشارکت افراد در این حکمرانی می‌تواند در هر یک از واحدها با توجه به خرده‌فرهنگ یا هویت رایج در آن واحد، متفاوت باشد.

در مورد شهری مانند تهران یافتن مرز خانواده با توجه به واحدهای مسکونی، ساده‌تر از دیگر واحدهای مطالعاتی است. یافتن الگوی حکمرانی در خانواده‌های هر یک از محلات شهری و نحوه جلب مشارکت افراد در آن الگو می‌تواند به ما کمک کند تا الگوی حکمرانی و شیوه جلب مشارکت مردمی در آن محله را بهتر دریابیم. مطالعه محلات که بعد از خانواده کوچکترین واحد شهری هستند، مؤثرترین واحد برای دستیابی به شیوه مشارکت‌های مردمی در سطح شهر است. متأسفانه مرز فیزیکی و اجتماعی محلات با توجه به خیابان‌کشی‌ها و ساخت‌وسازهای بی‌رویه از حالت طبیعی خود خارج شده است. سازمان‌های رسمی با توجه به نهاد شهرداری و سازمان‌هایی که در زیرمجموعه خود دارد و دیگر سازمان‌ها از جمله مدارس، سازمان‌های صنفی و غیره می‌تواند از دیگر واحدهای منتخب برای بررسی نوع و میزان مشارکت مردمی باشد. نحوه جلب مشارکت مردمی در این سازمان‌های رسمی بیشتر با توجه به الگوی نظام‌های دیوان‌سالار صورت می‌گیرد. هر چند مشاهده انواع دیگر سازمان‌ها با توجه به زمینه‌های فرهنگ نیز محتمل است. از جمله به‌کارگیری الگوی سازمان‌های داوطلبانه پس از انقلاب اسلامی الگوی بسیار رایج و مؤثری است که گاه از طریق سازمان‌های رسمی نیز به‌کار گرفته شده است. کلیت خود شهر و مرزهای اجتماعی آن نیز با توجه به رشد بی‌رویه شهر، یکی دیگر از معضلات مطالعه شهر تهران است.

با توجه به ملاحظات گفته‌شده به نظر می‌رسد واحد قرار دادن خانواده‌ها برای دریافت الگوی مدیریت و پس از آن رسیدن به جمع‌بندی الگوهای موجود در سطح محلات و سازمان‌ها بهترین راه ورود به مطالعه است. هر یک از خانواده‌ها، محلات و سازمان‌های شهری یک خرده‌فرهنگ هستند؛ هر چند این خرده‌فرهنگ‌ها چنان که گفتیم در نهایت، یک فرهنگ شامل را (فرهنگ شهر تهران) تشکیل می‌دهند. گفتنی است فرهنگ شهر تهران، جمع جبری خرده‌فرهنگ‌های



واقع در آن نیست، بلکه خود، دارای اقلام فرهنگی خاص براساس جدول شماره یک می باشد. نوع مشارکت پذیری افراد در هر یک از خرده فرهنگ ها، مخصوص به خود آن خرده فرهنگ است. نسبت حضور فرهنگ اسلامی و فرهنگ سکولار در واحدهای خانواده، محلات، سازمان ها و خود شهر، هر چند در محلات مختلف متفاوت است، اما در فرهنگ غالب عمومی شهر تهران به نسبت خاصی مشاهده می شود. اگر به صورت کلان نگاه کنیم، با توجه به این که نظام سازمان های شهری ایران در دوران پهلوی و با نگاه سکولار طراحی شده است، اداره امور شهری در قالب سازمان های سکولار شکل گرفته است. پس از انقلاب اسلامی که صحبت از شورای اسلامی شهر به میان آمده است، متأسفانه سازوکاری که این شورا را اسلامی کند، طراحی نشده است و حتی در انتخاب اعضای شورای شهر، نظارت شورای نگهبان که ضامن اسلامی بودن انتخاب های دیگر در نظام جمهوری اسلامی است، مراعات نمی شود. از این رو می توان گفت در تشکیل شورای شهر از فرهنگ اسلامی تنها نامی وجود دارد و همه امور در چهارچوب فرهنگ سکولار انجام می شود. در تبعیت از شورای شهر، شیوه انتخاب شهردار و اداره امور شهری توسط شهرداری ها نیز به همان سیاق گذشته، متأثر از فرهنگ سکولار است. البته باید این نکته را مدنظر قرار دهیم که پیشتر این امور با فرمان شاه و وابستگانش انجام می شد، اما امروز با انتخاب مردم مسلمان شکل می گیرد. مدارس و سازمان های صنفی نیز به همین منوال با رُسومی که از رژیم گذشته بر جای مانده است، اداره می شوند. بنابراین می توان نتیجه گرفت فرهنگ و هویت سازمان های رسمی بر شهر تهران و دیگر شهرهای کشور ما بیشتر مبتنی بر همان فرهنگ و هویت سکولار است و بخش اسلامی آن به انگیزه ها و رفتارهای فردی افراد حاضر در این شورا ها و سازمان ها، جو عمومی جامعه و سلیقه انتخاب های ملت مسلمان مربوط است.

سازمان های غیررسمی، که در فرهنگ پیش از دوران پهلوی وجود داشته اند مانند هیئت های مذهبی، مساجد و حسینیه ها و نیز محلات (البته اگر محله ای منسجم باقی مانده باشد)، بیشتر با رویکرد اسلامی اداره می شوند. در کل، سازمان های رسمی و غیررسمی در رقابت با یکدیگر امور شهر را در سطح میانی می گردانند. در مجموع می توان گفت بر این اثر سازمان های رسمی در این بخش، پیش از انقلاب اسلامی بیشتر بوده است. میدان دار شدن سازمان های غیررسمی

در جریان انقلاب اسلامی، موجب شد در ابتدای انقلاب اسلامی، سازمان‌های غیررسمی نقشی برجسته بیابند. اما در دوران بازسازی پس از دفاع مقدس به تدریج سازمان‌های رسمی اهمیت یافتند و با اینکه سازمان‌های غیررسمی توانستند حیطه اختیاراتی را برای خود نگه دارند، در مجموع به نظر می‌رسد در بیشتر مناطق، نسبت اختیار و اثر آنان در مقایسه با سازمان‌های رسمی کمتر است. سازمان‌های صنفی نیز در واقع از نظر فرهنگی دوجان گرفتارند و بسته به این که چه صنفی باشند و سابقه آنان در فرهنگ و هویت اسلامی چه اندازه باشد، از موهبت اسلامی بودن برخوردار می‌شوند. اگر این سابقه، زیاد باشد، نسبت اثر فرهنگ و هویت اسلامی در آنان بیشتر است، اما اگر صنفی باشد (که به‌طور مستقیم به تمدن مدرن وابسته است) نسبت اثر فرهنگ و هویت سکولار در آن افزایش می‌یابد.

در پایان خطِ واحدهای مطالعه ما در سطح خرد، خانواده قرار دارد که می‌تواند تحت‌تأثیر عوامل مختلف، نسبت هویت سکولار و اسلامی بیشتر یا کمتری داشته باشد. آنچه به برنامه‌ریزی شهر و شهرسازی مربوط می‌شود، رواج آپارتمان‌نشینی به‌عنوان پدیده‌ای غربی است که موجب می‌شود اثر فرهنگ و هویت سکولار در خانواده‌ها بیشتر گردد. با توجه به اهمیت مطالعه خانواده‌ها در به دست آوردن الگوی دقیق‌تر مشارکت عمومی، لازم است در تحقیقات خرد، این واحدها در محلات مطالعه شوند.

۳. جلب مشارکت مردمی

چنان که گفتیم شیوه مشارکت افراد در اداره امور شهری به نوع فرهنگی که بر واحد اجتماعی در بر گیرنده آنان حاکم است، بستگی دارد. در هر دو نوع شیوه زندگی سکولار و اسلامی، ایده جمهوریت با ۵ اصل یادشده آن، مشترک است و حضور آزادانه و برابر مردم در اداره امور عمومی پذیرفته شده است. اما نوع مشارکت مردمی اسلامی با سکولار بر اساس مبانی فرهنگی متفاوت، یکسان نیست. کار در نظام اسلامی برای جلب رضایت الهی، عبودیت و تقرب جویی صورت می‌گیرد (خانه سوم از ردیف اول فرهنگ اسلامی)، اما در نظام سکولار باید منفعتی مادی بر کار مترتب باشد (خانه سوم از ردیف اول فرهنگ سکولار) وگرنه معقول تلقی نمی‌شود.



برای مثال تشکیل واحدهای داوطلبانه و خدمت جهادی و انقلابی با سابقه فرهنگ اسلامی هماهنگ تر است و کار بر اساس منفعتی مادی؛ مانند حقوق بگیری، بیشتر با فرهنگ سکولار هماهنگ می گردد. در فرهنگ سکولار حتی اگر افرادی در سازمان های داوطلبانه هم حضور می یابند، می تواند به طمع سابقه برای مثلاً تسهیل شاغل شدن در آینده باشد. بنابراین به طور کلی در نظام های رسمی شهری که فرهنگ سکولار بر آنان حاکم است، جلب مشارکت مردم بیشتر با توجیه منفعت مادی دور و یا نزدیک ممکن می شود و در سازمان های غیررسمی شهری وعده مغفرت الهی کارسازتر است.

نتیجه گیری

در این مقاله با یکسان گرفتن مفهوم هویت و فرهنگ، به تقاطعی دو نوع هویت اسلامی و سکولار در شهرهای کشور به ویژه تهران اشاره کردیم. فرهنگ را کالبدشکافی کردیم و عناصر فرهنگی تشکیل دهنده فرهنگ شهری را برشمردیم. چنان که گفتیم در هر خانه جدول فرهنگ که نقش به خصوصی را بازی می کند، ترکیبی از فرهنگ اسلامی و فرهنگ سکولار در کشور ما مشاهده می شود. گفتنی است نسبت این ترکیب در هر خانه جدول فرهنگ و در هر فرهنگ یا خرده فرهنگ مورد مطالعه به دست می آید. در شهر تهران به علت متکثر بودن فرهنگ، می توان به انواع متعددی از این ترکیب ها دست یافت. اما لازم است بدانیم چون عناصر فرهنگ با یکدیگر متقوم و هماهنگ هستند، به هر صورت یک فرهنگ خاص بر شهر تهران حاکم است.

واحدهای مطالعه را از خانه به محله و سازمان های رسمی و غیررسمی و کل شهر گسترش دادیم و گفتیم در خانه ها تنوع فرهنگی، از دیگر واحدهای مطالعه بیشتر است. از همینجا می توانیم به ترکیب نزدیک تر به واقع نسبت به الگوی حکمرانی و جلب مشارکت مردم پی ببریم. اما آنچه در سطح شهر عمل می کند، فرهنگ سازمان های رسمی و غیررسمی است. شهرداری و واحدهای تابعه، مدارس و سازمان های صنفی، عمده ترین سازمان های رسمی هستند که در جلب مشارکت مردم در فعالیت های شهری نقش دارند. سازمان های غیررسمی فعال عبارتند از هیئت های مذهبی، مساجد، حسینیه ها، محلات قدیمی و برخی از واحدهای صنفی. همان

طور که بیان کردیم فرهنگ حاکم بر سازمان‌های رسمی بیشتر سکولار است و فرهنگ حاکم بر سازمان‌های غیررسمی بیشتر اسلامی می‌باشد. فرهنگ حاکم بر واحدهای صنفی نیز بسته به نوع آن صنف، از هر دو نوع فرهنگ برخوردار هستند.

از آنجاکه کشور ما در مرحله گذار از تمدن مدرن به تمدن اسلامی است، لازم است در شهرها به احیای محلات متلاشی شده پرداخته شود و از طریق سازمان‌های غیررسمی بیشتر به جلب مشارکت مردم مبادرت ورزیم. این کار به علت روحیه اسلامی حاکم بر این نوع از سازمان‌ها به صرف هزینه گزاف نیاز ندارد و با کارهای داوطلبانه جهادی که خدایپسندانه تلقی می‌شود، می‌توان بسیاری از مسائل شهری را حل کرد و سامان داد.

مهمترین راهبرد بلندمدت برای اصلاح امور شهری، مبارزه با تمرکزگرایی در نظام اداری و حکمرانی کشور است. تمرکز بیش از حد امور در تهران برای جامعه‌ای که قصد اسلامی شدن دارد، مهلک است. این قاعده عدم تمرکز باید در همه امور، سرلوحه کارها قرار گیرد؛ از جمله لازم است در سبک تأمین مسکن، سبک آپارتمان‌نشینی تعدیل شود و شیوه خانه‌های مستقل تأکید شود. این کار در کلان‌شهرها با ساختن شهرک‌های اقماری با خانه‌های حیاطدار ممکن می‌گردد. با اهمیت دادن به محلات و شهرداری‌های مناطق با ابزار سازمانی مسجد، حسینیه، هیئت و صنوف و جلب مشارکت جهادی و انقلابی مردم بسیاری از گام‌های مهم را می‌توان برداشت. در این مسیر نسبت حضور سازمان‌های رسمی و غیررسمی به وضعیت فرهنگی هر محله و نسبت غلبه فرهنگ سکولار و یا اسلامی در آنان بستگی دارد. هر چه فرهنگ اسلامی بیشتر باشد از سازمان‌های غیررسمی بیشتر می‌توان استفاده کرد؛ اگر نسبت فرهنگ سکولار افزایش یابد، حضور سازمان‌های رسمی کارسازتر خواهد شد. در نهایت باید توجه داشت شهرهای اسلامی ایده‌آل، مسجد محور هستند. لازم است سازمان‌دهی‌ها به گونه‌ای پیش رود که این مطلوب حاصل شود.

در قالب این راهبرد کلان می‌توان با مطالعه موردی هر محله، برنامه‌ای میان‌مدت و کوتاه‌مدت جلب مشارکت مردم را تنظیم کرد.

همان‌طور که مسائل شهری مانند تهران به تدریج و طی سالیان ایجاد شده است، می‌توان

به تدریج و طی زمان، به همان نسبت طولانی به سامان‌دهی آن دست یافت. نکته مهم ثبات قدم در استفاده از یک راهبرد کلان و مطمئن است. کوتاه بودن عمر مدیریت‌های شهری نباید موجب برهم خوردن راهبردها شود. ایجاد تفاهم میان رویکردهای مختلف مدیریتی بر سر راهبردهای کلان می‌تواند تضمینی برای تداوم کار باشد.

منابع

۱. زاهد، سعید (۱۳۸۱). جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران. تهران: سروش و کتاب طه.
۲. زاهد، سید سعید (۱۳۸۲). زمینه‌های اجتماعی مردم‌سالاری دینی در تاریخ معاصر ایران، مردم‌سالاری دینی (جلد سوم). «پیشینه تاریخی و تجربه مردم‌سالاری دینی»، مجموع مقالات همایش مردم‌سالاری دینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف. صص ۱۶۰-۱۳۹.
۳. زاهد، سید سعید (۱۳۹۵). «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فرهنگی، الگوی پایه پیشرفت». مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: انتشارات مرکز اسلامی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۳۳۵-۳۵۵.
4. Held, David (1996). *Models of Democracy*. Cambridge: Polity Press.